

## بسم الله الرحمن الرحيم

دیروز ۱۲ فروردین بود؛ عید بزرگی که من همیشه فکر می‌کنم هنوز قدر آن را - چنان‌که باید - نشناخته‌ایم. خدا می‌داند که همیشه چقدر آرزو داشته‌ام برای این تنها جمهوری دینی در روی زمین، سربازی لایق باشم. اما دریغ که همیشه یک نقطه کم آورده‌ام، و به‌جای سرباز، سرباری بیش نبوده‌ام.

این روزها که پزشکان و پرستاران مؤمن و قهرمان ما، در نبرد با این بلای جهانی موسوم به کرونا - که نمی‌دانم از دل طبیعت سرزده یا از درون آزمایشگاه‌های خبیث‌ترین انسان‌های روی زمین بیرون آمده - مثل مجاهدان راه خدا می‌جنگند، نصیب من همین است که در خانه بمانم تا شاید عمل به تکلیف کرده باشم. اما مرتب از خودم می‌پرسم که به‌راستی، چگونه می‌توانم شکرگزار مجاهدت قهرمانان این نبرد شوم؟

شاید اگر این چراغ را قبلاً نذر چهل‌سالگی انقلاب نکرده بودم، متواضعانه نثار مقدمشان می‌کردم؛ هرچند گمان نمی‌کنم که در برابر انفاس نورانی آن‌ها، فروغی داشته باشد. با این وجود، به ضمیمه همین چراغ هدیه‌ای تقدیم آن‌ها می‌کنم، که اگر کسی آن هدیه را به من می‌داد شاید از خوشحالی بال در می‌آوردم. این هدیه، توییت کوتاهی است یادگار این ایام، از یک پزشک لبنانی که در ایتالیا به‌سر می‌برد:

«دیروز هنگام شیفتم، بعد از سرکشی به بخش قرنطینه در حیاط بیرونی، وارد دفترم شدم. آنجا عکس مریم و مسیح دارم. زانو زدم، نماز گذاردم و نذر کردم اگر پس از این بیماری واگیردار، سالم از اینجا جان به در بردم، سه مرقد را زیارت کنم:

مرقد حسین - علیه السلام - در کربلا؛

مزار شهید عماد مغنیه در لبنان؛

مزار شهید قاسم سلیمانی در کرمان»<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> یادداشت پزشکی مسیحی به نام Roberti Pitertiki که در روزهای همه‌گیری کرونا در صفحه توییتر (Twitter) خود منتشر کرد. تصویر این پیام در ضمیمه آمده است:

<https://halgheh.com/wp-content/uploads/2021/05/taghdim-be-pezeshtkan.pdf>

خوشا به حال پزشکان و پرستاران مؤمن و مجاهد ما، که این روزها -  
خواسته یا ناخواسته - نامشان در کنار نام بزرگ قهرمانان تاریخ، یاد می‌شود.

سیدمحمدروحانی

۹۸/۱/۱۳